

مبارزه علیه بهره‌کشی یا برای بهبود بهره‌وری؟

نگاهی به گفتگوی دوتن از فعالین سندیکای شرکت واحد و عباس عبدی*

تقی روزبه

بیست هفتم اردیبهشت هشتاد و هفت

در این گفتگو تأکید فعالین کارگری اساساً بر "تشکل مستقل کارگری" است، بدون توجه به هدف ضداستثماري آن، و تأکید عباس عبدی نیز اساساً بر شفاف ساختن جهت‌گیری و ماهیت هدف مورد نظر خود است تا تشکل در نزد او روشن کردن هدف و جهت‌گیری اهمیت بیشتری نسبت به خود تشکل دارد: وقتی هدف از مبارزه علیه استثمار سرمایه‌داری به مبارزه علیه نارسائی‌های نظام سرمایه‌داری و در شرایط خاص ما علیه پائین بودن بهره‌وری و نوع ساختار اقتصادی، به مثابه منشأ درجه اول همه مشکلات تلقیل پیدا کند، هدفی که او در این گفتگو دنبال می‌کند، آن‌گاه شعار تشکل مستقل کارگری امر قابل‌تحمیلی می‌شود و حتا به عنوان نیاز ضروری برای مقابله با پائین بودن بهره‌وری - بخوانید تشدید نرخ استثمار کارگران - و نیز بعنوان مؤتلفی در مبارزه علیه جناح رقیب، مورد تصدیق هم‌قراری می‌گیرد. در واقع جدائی تشکل از مضمون و هدف‌های راهبردی همواره زمینه‌رخنه بورژوازی در میان کارگران را فراهم آورده است. کارگران اگر از همان اول بپذیرند که مبارزه آن‌ها در چهارچوب مبارزه برای بهبود دستمزدها و شرایط بردگی کار صورت می‌گیرد، در واقع بردگی مزدی خود را پذیرفته‌اند، امری که خود در تحلیل نهائی نشأت گرفته از تصدیق نظم موجود و از تقسیم جامعه به جامعه مدنی و دولت سیاسی و قرارداد عرصه اقتصاد و مالکیت در زمره قلمرو خصوصی و جامعه باصطلاح مدنی است.

از سوی دیگر چنان‌که می‌دانیم مدت‌هاست که سؤالاتی هم‌چون معنا و ماهیت تشکل‌های کارگری، رابطه آن با مبارزه ضد سرمایه‌داری و این‌که آیا دفاع از شعار تشکل مستقل - بطور عام - فارغ از ماهیت و اهدافش و این‌که در خدمت کدامین هدف و جهت‌گیری باشد، به تنهایی می‌تواند تضمین‌کننده منافع کارگر باشد یا آن‌که بدلیل خصلت عام و مسکوت ماندن رابطه اش با هدف می‌تواند مورد بهره‌برداری بورژوازی قرار بگیرد، از جمله مسائل و چالش‌هایی هستند که در بین فعالان کارگری مطرح شده‌اند و تاکنون نیز هزاران صفحه مطلب حول آن‌ها به نگارش درآمده است. در کنار این مباحثات، خیره‌شده به واقعیت مبارزه طبقاتی هم‌اکنون جاری، گاهی بیش از ده‌ها مطلب می‌تواند روشنائی لازم را به بسیاری از ابهامات موجود و کمک به برطرف ساختن آن‌ها بیافکند. در واقع مبارزه نظری همواره باید بتواند معنا و مبنای وجودی خود را در پهنه مبارزات هم‌اکنون موجود نشان داده و بیان انکشاف و اوضاع و احوال آن باشد و گرنه هنوز اسیر گرداب بحث‌های تجربیدی و فرقه‌ای بوده و مباحثات خصلت آئینی و اسکولاستیک پیدا خواهند کرد.

نگاه به گفتگوی عباس عبدی با ابراهیم مددی و داود رضوی از فعالان سندیکائی شرکت واحد همین منظر یعنی بررسی جایگاه سیاست در مبارزات جاری - طبقاتی و میزان صحت و سقم خودبسندهی مفاهیم مطرح شده در بالادارای اهمیت است:

این گفتگو که توسط دانش‌آموختگان تحکیم وحدت و با واسطه‌گری آن‌ها ترتیب داده شده است، قبل از هر چیز پوست

اندازی و ماهیت عملکرد این تشکل دانشجویی را در روند تبدیل شدن به تشکل هم طراز با لیبرالیسم به نمایش می گذارد. در اینجا دیگر حتماً ادای سوسیال دموکراسی بی رمق ادعائی ی هم به چشم نمی خورد. و همین مسأله افشاء هرچه بیشتر مواضع این جریان در فاز جدید دگر دیسی خود به مثابه تسمه نقاله لیبرال ها را در راستای انزوای نئولیبرالیسم وطنی، به مثابه یکی از عرصه های مهم مبارزه طبقاتی-سیاسی برای نیروهای چپ و مدافعان برپا کردن جامعه عاری از شکاف و استثمار طبقاتی خاطر نشان می سازد.

دیگران که، این گونه تلاش ها از یکسو نشان داده اهمیت روز افزون جنبش کارگران و زحمتکشان است که دیگر حتماً لیبرال ها نیز نمی توانند آن را نادیده بگیرند و بدیهی است برای کنترل و سودا به آن.

سه دیگر آن که گفتگوی عباس عبدی نشان می دهد که او بعنوان نماینده هوشیار لیبرال ها هدف و جهت گیری مشخصی برای قالب گیری جنبش طبقه کارگر را دنبال می کند. آن ها برای نیل به این هدف خود بویژه آن بخش ها و عناصری از جنبش طبقه کارگر را مطمح نظر خویش قرار می دهند که حامل زمینه های مناسبی برای اعمال چنین نفوذی هستند.

هدف اصلی عبدی در این گفتگو، جا انداختن این ایده واهی در میان کارگران است که گویا علت اصلی همه دشواری ها و مصائب طبقه کارگر قبل از هر چیز به نحوه ساخت اقتصادی کشور مربوط می شود که موجب پائین بودن بهره وری و لاجرم منشأ هرگونه فقر و فلاکت کارگران است. گوئی که افزایش بهره وری نه به معنای تشدید استثمار و شکاف طبقاتی بیشتر بلکه به معنای تخصیص ارزش افزوده جدید به کارگران است! بزعم او افزایش بهره وری، هدف مشترک و محور همکاری و مبارزه مشترک کارگران و کارفرمایان را تشکیل می دهد و بهمین دلیل این سؤال کاملاً اندیشیده شده لیبرال ها را در برابر ابراهیم مددی قرار می دهد:

"علت پایین بودن دستمزد را چگونه تحلیل می کنید. آیا کارفرما در حال استثمار کارگر است یا این که خیر. البته بسیاری معتقد به این تحلیل هستند که ساخت اقتصادی ما موجب بهره وری پایین است و این همه چیز را پایین می آورد. از حقوق کارگر تا سود کارخانه و... تحت تاثیر همین مسئله هستند. به نظر شما کدام یک از این ۲ عامل، مسئله مهمتری تلقی می شود؛ دستمزد پایین یا ساخت اقتصاد و نظام بهره وری در ایران؟"

مراد عبدی از نظام بهره وری و ساخت اقتصادی، دولتی بودن اقتصاد، سوبسید ها و بیمه ها، وقانون کاری است که فاقد جاذبه و انگیزه های لازم برای ترغیب کارفرمایان است.

البته اگر ادعای داشتن درد و مشکلات مشترک جابیفند، آنگاه مبارزه مشترک علیه پائین بودن بهره وری مضمون عینی مناسبی برای همکاری طبقاتی-همکاری کارگران با دوشندگان خود فراهم می کند و آن را جایگزین بالندگی مبارزه طبقاتی می کند. روشن است که کرخت کردن حس مبارزه طبقاتی و ادغام و آمیختن آن در مطالبات و "مبارزات بورژوازی لیبرال"، هدف اصلی عبدی و بورژوالیبرالهای حامی وی است.

در این گفتگو متأسفانه ابراهیم مددی و داوود رضوی بجای دفاع از منافع طبقه کارگر بدام ریشه یابی های عبدی برای مشکلات کارگری با هدف جایگزین کردن بهبود بهره وری بجای مبارزه طبقاتی علیه نظام سرمایه داری و طبقه بورژوازی می افتند. از همین رو در برابر سؤال عبدی مبنی بر این که "اکنون باید پرسید که استثمار زمینه فشار بیشتر بر کارگر را فراهم می آورد یا توسعه نیافتگی ساخت اقتصادی و تصمیمات غلط؟" چنین پاسخ می دهند:

مددی: "البته می توان گفت توسعه نیافتگی اقتصادی تاثیر بسیاری روی متضرر شدن کارگر می گذارد. اگر در شرایط

اقتصادی دیگری عمل کنیم شاید شرایط بهتری نیز برای کارگران فراهم شود. به عنوان مثال این مسئله می‌تواند در رابطه با سیاست‌های بانکی تاثیرگذار باشد."

عبدی که به دنبال صراحت بیشتری در پاسخ به سؤال خود است می‌پرسد، منظورتان این است که کارفرما هم متضرر می‌شود؟

مددی: بله. اما عمده فشار همواره روی کارگران است....

اودر ادامه سخن خود، ایجاد تشکل های مستقل را بعنوان اهرم انجام چنین هدفی- جلوگیری از ضررهای ملی- مورد تأکید قرار می‌دهد.

عبدی که با دریافت پاسخ فوق گامی به مقصود خود نزدیک تر شده، هم چنان در جستجوی صراحت یافتن بیشتر جهت گیری است:

عبدی: ...در این مسئله که تشکیلات کارگری می‌تواند جلوی ضرر را بگیردشکی نیست. اما سؤال من ناظر بر امر دیگری بود. مسئله این است که آیا فعالیت و تشکیلات کارگری در درجه اول علیه کارفرما است یا علیه سیاست‌های غلط اقتصادی. البته بسیاری این ۲ را یکی می‌گیرند که اشتباه است چرا که می‌بینیم بسیاری از صاحبان صنایع هم به این سیستم اقتصادی معترض هستند. از اینرو پاسخ به سؤال من در واقع جهت‌گیری کلی تشکیلات کارگری را نشان می‌دهد... همانطور که ملاحظه می‌کنید این گفتگو نشان می‌دهد که برای عبدی بیش از آن که نفس مستقل بودن تشکل دارای اهمیت باشد، هدف آن تشکل دارای اهمیت است. از نظر او اگر مبارزه علیه استثمار به مبارزه علیه سیاست‌های غلط اقتصادی تغییر جهت بدهد، آنگاه نگرانی از تشکل مستقل، یعنی آنچه که مددی و رضوی مورد تأکید قرار می‌دهند، دیگر نباید امرنگران کننده ای باشد. بهمین دلیل در پی پاسخ به سخنان رضوی مبنی بر این که "در تمام دنیا این بحث را پذیرفته‌اند که يك تشکیلات مستقل کارگری که بدون دخالت دولت شکل گرفته باشد، می‌تواند به کارفرما نیز کمک کند. به نظر من نبود تشکیلات مستقل نتیجه چنین وضعی است که امروز دچار آن هستیم" می‌گوید:

عبدی: شکی نیست که امروز کارفرما نیز باید متوجه شده باشد که در نبود تشکیلات مستقل کارگری متضرر می‌شود چون این تشکیلات به دنبال تحقق خواسته‌ها و برنامه‌هایی است که سطح بهره‌وری را بالا خواهد برد

وقتی گفتگو به این نقطه می‌رسد، ظاهراً هر دو طرف به توافقی مرضی طرفین نزدیک شده اند: از یکسو عبدی در کسوت نماینده آگاه لیبرال‌ها، با جلب توافق مخاطب گفتگو حول هدف و جهت‌گیری تشکلهای کارگری چاشنی خطر چنین تشکلی را بیرون کشیده است و از سوی دیگر مددی و رضوی به هدف خود مبنی بر پذیرش ایجاد "تشکل مستقل" از دولت رسیده اند. حالامی‌توان از فواید آن صحبت کرد و نمونه همبستگی کارگران و کارفرمایان در چین را مورد سرمشق قرار داد:

رضوی: در صورت تحقق این امر و حضور تشکیلات فراگیر و مستقل، کارگر با آگاهی کار می‌کند. (بگذریم از این که معلوم نیست آقای رضوی این اطمینان را از کجا آورده است. چون فراوان دیده شده که کارگران با به کف آوردن سلاح تشکل مستقل آن را دوش بدوش کرده و به شلیک هم پرداخته اند!) اما اکنون مشاهده می‌کنیم که در بنگاه‌ها و مؤسسات دولتی ما کارگر معتقد است همین که سر صبح به محل کار خود آمده، خود به خود وظیفه‌ای که برایش متصور بوده است را انجام داده است.

عبدی: سؤال من در رابطه با این که مشکل ما در کجاست نیز ناظر بر همین بحث بود؛ یعنی بیگانگی کارگر با سیستم اقتصادی. البته ممکن است برخی کارگران وضع بهتری به نسبت چین داشته باشند اما آن حس را که کارگر چینی دارد، کارگر ایرانی ندارد. سرمایه‌داری هم که حتی سود می‌برد، فاقد چنین حسی است و...

ابراهیم‌مددی: بله. کارگر چینی به‌طور آگاهانه به دستمزد پایین راضی است (بله! رضایت به بردگی طاقت فرسا توسط کارگران چین آنهم بطور آگاهانه و داوطلبانه!). چرا؟ چون قصد فتح بازار جهانی را دارد. اگر در ایران هم چنین حسی ایجاد شود یقیناً مردم ایران و کارگران ما برای تحقق آن مایه خواهند گذاشت (خوشا به حال آینده کارگران ایران اگر چنین حسی پیداکنند!). سابقه چنین امری هم وجود دارد، مثل ۸ سال جنگ با عراق. اما اکنون به دلیل برخی برنامه و سیاست‌های لرزان فاقد چنین حسی هستیم.

براستی آقای مددی و رضوی در جستجوی دست یابی به کدامین حس هستند؟ حس مبارزه طبقه کارگر علیه نظام استثمار یا یافتن فصل مشترک با بورژوازی باصطلاح بخش خصوصی برای مبارزه جهت اهداف مشترک؟!

یک جمع بندی فشرده:

گفتگوی فوق به عنوان برشی از یک بحث ناظر بر مبارزه طبقاتی هم اکنون جاری چه چیز را نشان می‌دهد؟
نشان می‌دهد:

که اولاً مبارزه برای تشکل یابی را نمیتوان بطور مصنوعی از مبارزه برای هدف و جهت گیری کلی مبارزه طبقه کارگر جدا کرد. وگرنه راه برای رخنه بورژوازی هموار می‌گردد.

که ثانياً این مبارزه صرفاً در حوزه های خرد و کوچک مطالبات محلی و اولیه محبوبس نمانده و در ابعاد کلان جهت گیری ها هم مطرح است و بهمین دلیل بورژوازی بیکارنه نشسته و در تلاش است تا از هم اکنون مهر خود را بر اهداف طبقه کارگر و از جمله ماهیت و چهارچوب عملکرد تشکل های آن ها بکوبد.

و ثالثاً تاچه حد تصورات و القاءات بورژوازی در میان بخشهایی از کارگران و فعالین آنها درونی شده و می تواند هم چون افساری برای به بند کشیدن مبارزه طبقاتی عمل بکند.

و رابعاً تاچه اندازه رها کردن این عرصه ها و واگذار کردن صحنه عمل به بورژوازی توسط فعالین کارگری و نیروهای چپ می تواند میدان را برای تاخت و تاز بورژوازی هموار کند. و این که چگونه مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی در هر لحظه آمیزه ای جدانشدنی از مؤلفه های اقتصادی و سیاسی و نظری است که لازم است در بستر مبارزه جاری همواره مورد توجه قرار گیرد.

تقی روزبه

۲۰۰۸-۰۵-۱۵ -۸۷-۰۲-۲۶

<http://www.taghi-roozbeh.blogspot.com>

* این گفتگو در سایت کارگری افق روشن و برخی سایت های دیگر درج گردید.